

می‌توان فلسفه سیاسی اسلام را از عاشورا استخراج کرد

رئیس بنیاد بین‌المللی اسراء گفت: اگر کسی بخواهد برش عرفانی بزند...



رئیس بنیاد بین‌المللی اسراء گفت: اگر کسی بخواهد برش عرفانی بزند جلوه‌های عرفانی عاشورا را خواهد دید و اگر کسی بُعد حماسی را مد نظر قرار دهد، دستاوردهای حماسی خواهد گرفت، ولی در بُعد علمی هم می‌تواند موضوعاتی چون فلسفه سیاست، فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق و اخلاق، توحید و معاد و تعلیم و تربیت را بیاموزد.

مرتضی جوادی آملییی تردید واقعه عاشورا در تاریخ بشریت بی نظیر است و هیچ اتفاقی را نمی‌توان در اهداف و جاودانگی هم پای آن دانست.

ریشه مانایی عاشورا در توحیدی بودن و اخلاص تام و تمام آن و ابعاد فداکاری و بذل جان در راه قرب و فناء الهی است. امروز ما هستیم و این ماجرای بزرگ و اینکه انسان مدرن چگونه می‌تواند با یک ماجرای تاریخی به نام عاشورا نسبت برقرار کند؟ پرسش دیگر این است که فارغ از جنبه‌های حماسی و عرفانی، دستاوردهای علمی این حادثه چیست؟

به همین منظور خبرنگار ایکنّا با حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی، رئیس بنیاد بین‌المللی اسراء و استاد حوزه علمیه، گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید:

ایکنّا - انسان مدرن که ۱۴۰۰ سال از عاشورا فاصله دارد چگونه می‌تواند از آن الگو بگیرد و با این حادثه تاریخی رابطه برقرار کند؟

اگر نهضت عاشورا را نهضت تاریخی یا نهضت قبیله‌ای، عشیرگی، نژادی و فرقه‌ای و ... بدانیم، مناسبات ضعیفی رخ خواهد داد؛ یعنی شاید چندان برای دوره بعد از خود پیامی نداشته باشد، ولی اگر این نهضت را فرهنگی و انسانی با قطع نظر از تعینات عشیرگی و فرقه‌ای بدانیم، ماجرا کاملاً متفاوت خواهد شد. بنابراین با نگاه انسانی و فرهنگی به عاشورا خواهیم توانست از نهضت سالار شهیدان درس بگیریم و بین انسان مدرن و ماجرای که ۱۴۰۰ سال قبل رخ داد ارتباط برقرار کنیم.

در قیام عاشورا امام حسین(ع) از قبیله و عشیره و حتی شیعه و سنی حرف نزد، بلکه این قیام را جهانی، بین‌المللی، انسانی و توحیدی برشمرد و به همین دلیل برای همه انسان‌های امروز و آینده قابل‌الگوگیری و عبرت است و بزرگان سیاست در جهان همانند گاندی از این واقعه متأثرند، زیرا این نهضتی قبیله‌ای، تاریخی و جغرافیایی نیست. سالار شهیدان برای احیای دینی که خدای عالم برای بشر آورد و در امتداد رسالت رسول گرامی اسلام علیه ظلم و استبداد دست به قیام زد و ما هم می‌توانیم از آن برای همه ادوار زندگی الگو بگیریم.

ایکنّا - شاهد خوانش‌های مختلفی از قیام عاشورا هستیم؛ رویکرد عاطفی، حماسی، سیاسی و... که از جمله در برخی آثار رویکرد حماسی و عاطفی برجسته است. اگر بخواهیم خوانشی علمی از این واقعه داشته باشیم، چه دستاوردهایی برای ما متصور است؟

نهضت سالار شهیدان حرکتی از سوی عترت طاهره(ع) و عدل قرآن بود و چون قرآن یک منبع است، می‌توانیم به این منبع بنگریم و از آن جهات مختلفی را انتزاع کنیم و این امر نیازمند داشتن برش‌های مختلف از عاشوراست. اگر کسی بخواهد برش عرفانی بزند جلوه‌های عرفانی را خواهد دید و اگر کسی بُعد حماسی را مد نظر قرار دهد، دستاوردهای حماسی خواهد گرفت، ولی در بُعد علمی هم می‌تواند موضوعاتی چون فلسفه سیاست، فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق و اخلاق، توحید و معاد و تعلیم و تربیت را بیاموزد. البته این کار باید از سوی کارشناسان هر رشته صورت بگیرد، کمااینکه می‌توان فلسفه سیاسی اسلام را از عاشورا گرفت و این از مهمترین دستاوردهای علمی قیام عاشوراست.

ایکنّا - در فلسفه سیاسی امروز منشأ قدرت از مباحث مهم است. در دوره مدرن عمدتاً مبدأ مشروعیت و قدرت را رأی مردم می‌دانند. در گذشته هم غلبه، تعیین‌کننده منشأ قدرت بود و در سیره و سنت نبوی و ولوی از جمله سیره امام حسین(ع) منشأ قدرت چیست و نسبت حاکمیت و مردم چگونه تعریف می‌شود؟

سؤال بسیار مهمی است و متأسفانه در جامعه ما و بین فیلسوفان سیاسی به درستی درک و شناخته نشده است؛ از منظر

اسلام، فقط خداوند منشأ قدرت است و قدرت از راه مکتب و از سوی امت و امامت اعمال می شود. تأکید می کنم که در منطق اسلامی، قدرت فقط از آن خدای عالم است و از راه مکتب و توسط امامت و امت اعمال می شود. نه امت و نه امام و پیامبر(ص) به تنهایی قدرت ندارند و همه در مسیر اراده الهی قرار می گیرند. اگر خداوند در آیه ۵۵ مائده فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، مسیر ولایت الهی را مشخص کرده است؛ یعنی ولایت خداوند از سوی پیامبر(ص) و امام و با همراهی امت اجرا می شود، بنابراین کوچکترین قدرتی برای پیامبر(ص) و امام(ع) وجود ندارد و همه تابع قدرت الهی هستند.

قرآن کریم فرموده است: «أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نَعْرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا عَفْوَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ»؛ یعنی طوری نیست که پیامبر(ص) صاحب قدرت باشد، بلکه همه قدرت برای خداوند است و پیامبران به اذن الهی این قدرت را اعمال می کنند.

در نظامات سیاسی مدرن، رأی مردم صاحبان قدرت را مشخص می کند و اگر مسیر دموکراسی به درستی محقق شود، منشأ قدرت به مردم برمی گردد، ولی در جامعه اسلامی قدرت منحصر به حق سبحانه و تعالی است که «عزة لله جميعا». این قدرت از طریق مکتب و از سوی امت و امامت اعمال می شود؛ نه امت و نه امامت به تنهایی. سالار شهیدان از آغاز تا انجام در مسیر اراده الهی قیام کرد و حتی اگر امر به معروف و نهی از منکر می کرد، با اراده الهی این کار را انجام می داد.

ایکنا - آیا خداوند حق حکومت و قدرت را به انبیا و اولیا داد تا در جامعه اعمال قدرت کنند؟

نه، پیامبر و امام می توانند فقط با امتشان کار و اعمال قدرت کنند و پیامبر و امام نمی توانند قدرت الهی را اعمال کنند، بلکه نظام امت و امامت است که توانایی چنین کاری دارد. اگر بگوییم که پیامبر یا امام صاحب قدرت هستند تلقی درستی از سخن بنده نیست.

ایکنا - نقل است که امام حسین(ع) به مکه رفتند تا حج را به جای آورند و به دنبال قیام نبودند و وقتی از مدینه و به اجبار به سمت کربلا رفتند، به حر فرمودند که اجازه دهید من از راهی که رفته ام برگردم. اگر این گزاره ها درست باشد، آیا در بدو امر امام(ع) می تواند برای حکومت قیام کند؟

باید تحلیل درستی از سیر حرکت سالار شهیدان داشته باشیم. امام حسین(ع) برای حج به مکه نرفتند، بلکه از مدینه برای رسیدن به بیت الله الحرام حرکت و به همین دلیل هم عمره مفرده برگزار کردند نه عمره تمتع. آیت الله العظمی جوادی آملی بارها در فرمایشاتشان فرموده اند که حضرت قصد حج نداشتند. لذا در روز هشتم و ترویه مسیر خود را به سمت عراق باز کردند.

مسیر امر به معروف و نهی از منکر تا جایی که امکان داشت پیش رفت، ولی بحث جهاد و مبارزه مسلحانه مطرح نبود، چراکه در این صورت باید مقدمات آن از سوی امام(ع) فراهم می شد و آوردن خانواده هم توجیهی نداشت. بنابراین صرفاً حرکت امام حسین(ع) برای تبیین حقایق دین و معارف و احکام الهی و امر به معروف و نهی از منکر بود و به دعوت کوفیان صورت گرفت. نامه های بسیاری از سوی کوفیان به حضرت نوشته شد و ایشان را دعوت کردند. لذا آن حضرت مسیر حرکت خود را به سمت عراق تعیین کردند و وقتی جلوی ایشان را گرفتند، فرمودند که شما کوفیان نامه نوشتید و من به دعوت شما آمده ام و اگر پذیرای من نیستید حاضرم از راهی که آمده ام برگردم. حرکت جهاد مسلحانه نبود که ایشان بخواهند وارد نبرد نظامی شوند. بنابراین باید سیر حرکت را به روشنی و درستی تبیین کنیم.

ایکنا - در تحلیل نقش مردم در نظام اسلامی رویکرد و دیدگاه های مختلفی وجود دارد. در دوره مدرن غلبه دموکراسی سبب شده است تا این تلقی شکل بگیرد که مردم و رأی آنها همه کاره و ملاک درستی و نادرستی است. ما که خواهان تحقق نظام اسلامی بر مبنای احکام الهی هستیم باید چه نسبتی را بین رأی مردم و دستورات خداوند برقرار کنیم. به تعبیر دیگر آیا بین اراده و خواست مردم و خواست خداوند تضاد وجود دارد؟

اگر ملت و جامعه ای تفکر اسلامی را بپذیرند و به حاکمیت الهی تن بدهند نه به حاکمیت انسانی حتی پیامبر و امام معصوم(ع) و اگر مردم بپذیرند که دستورات الهی اجرا شود، با اراده و خواست خود، اراده خود را در اختیار اراده خدا قرار داده اند و در این صورت اراده مردم در طول اراده خدا خواهد بود و اعمال حاکمیت از ناحیه خداوند و از سوی امت و امامت ایجاد می شود. جمهوری اسلامی همراهی و هماهنگی امت و امامت است و این دو یک حقیقت را می سازند نه اینکه دو حقیقت در کنار هم باشند؛ حقیقتی به نام امام و حقیقتی به نام امت. بر این اساس، امت و امامت نیز یکپارچه و یک حقیقت هستند و امام بدون امت و امت بدون امام رأی و نظری ندارد. البته اگر جایی جامعه رأی و دستور خدا را نپذیرد، رأی مردم هم عرض رأی خدا خواهد شد و تعارض ایجاد می شود و خداوند احکامی را برای بشر وضع کرده است، ولی بشر به آن پشت و بی توجهی می کند و نظام امت و امامت

شکل گرفته است تا اراده مردم در طول اراده خدا باشد.

ایکنا - الان در کشور شاهدیم که احکام الهی از سوی برخی نادیده گرفته می شود. در چنین مواردی نحوه مواجهه نظام اسلامی باید چگونه باشد؟

باید فلسفه نظام سیاسی اسلامی را برای جامعه تبیین کنیم، ولی در نوع جریانات و مسائلی که برای مردم پیش آمده است این مسیر به درستی تبیین نشده است؛ باید خوانش اصیل و صحیح را در قالب فلسفه سیاسی اسلام برای مردم تبیین کنیم. شاید کتاب «ولایت فقاقت و عدالت» نه ولایت فقیه به معنی شخص که آیت الله جوادی آملی نوشته اند بتواند محور کار قرار بگیرد و بسیاری از سؤالات و شبهات برطرف خواهد شد.

ایکنا - برخی معتقدند در دهه ۹۰ گرایش مردم به سمت مجالس عاطفی و حماسی عاشورا پررنگ شده است. از این رو در مجلس دوساعته نیم ساعت سخنرانی و مابقی صرف مداحی و روضه و سینه زنی می شود که غالباً معرفت افزایی لازم را ندارد. تحلیل شما چیست؟

نهضت سالار شهیدان یک مکتب است و هر کسی می تواند مطابق توان فکری و اندیشه ای و معرفتی از آن درس بگیرد. جامعه ما عمده‌تاً احساسی و عاطفی است. لذا پیگیری نگرش سیاسی، علمی و انسانی به قیام عاشورا کمتر مشاهده می شود. بنابراین جریانات عزاداری و روضه و غذا دادن و... پررنگتر است، در حالی که اینها هدف از نگرش به قیام اباعبدالله نیست؛ این موارد در مقاطعی به عنوان یک تاکتیک خوب است، ولی اگر دنبال ابعاد هدایت بخشی و اثربخشی عاشورا هستیم، باید نگرش همه جانبه داشته باشیم و از عاشورا فلسفه اخلاق، تربیت و سیاست را استخراج کنیم و عزاداری و تعزیت و روضه در پرتو این مسائل کارایی دارد، وگرنه شاهد آثار انسانی چندانی نخواهیم بود.

گفت وگو از علی فرج زاده